

## آینده پژوهی امنیتی ملی جمهوری اسلامی ایران در بستر تحولات ژئوپلیتیکی، تمامیت ارضی و بحران‌های داخلی عراق<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۷/۰۳  
تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۵/۰۹/۲۳  
صفحات مقاله: ۱۴۴ - ۱۱۵

جاوید منتظران<sup>۲</sup>

سعید قربانی<sup>۳</sup>

### چکیده:

عراق در بین کشورهای همسایه بیشترین اشتراکات را با جمهوری اسلامی ایران دارد و ژئوپلیتیک، تمامیت ارضی و ساختار سیاسی این کشور به هر سرنوشتی که مبتلا شود، برای جمهوری اسلامی مهم تلقی می‌گردد، چرا که می‌تواند جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک ایران را نیز به شدت تهدید یا تقویت کند و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تاثیر قرار دهد. لذا با توجه به اشتراکات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژی میان ایران و عراق، تبیین سناریوهای احتمالی تحولات عراق و ارزیابی تاثیرات آن بر حوزه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، هدف اصلی پژوهش می‌باشد. بدین جهت سوال اصلی پژوهش این گونه می‌باشد که تاثیرات سناریوهای آینده پژوهانه تحولات ژئوپلیتیکی، تمامیت ارضی و ساختار سیاسی در عراق بر حوزه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چه می‌باشد. بدین جهت پژوهش با دو روش آینده پژوهی مبتنی بر سناریو نگاری ضمن توصیف آینده‌های محتمل و نیز ارائه سناریوهای آینده تحولات عراق، با روش توصیفی تحلیلی به تبیین تاثیرات هریک از این سناریوها بر حوزه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

\* \* \* \* \*

### واژگان کلیدی

امنیت ملی، تمامیت ارضی، تحولات ژئوپلیتیک، خاورمیانه بزرگ، عراق، جمهوری اسلامی ایران.

- ۱ - این مقاله از پایان نامه ای با عنوان (آینده پژوهی امنیتی ملی جمهوری اسلامی با تاکید بر حفظ موقعیت ژئوپلیتیک و تمامیت ارضی کشورهای منطقه) در دانشگاه مالک اشتر استخراج گشته است.
- ۲ - کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه مالک اشتر.
- ۳ - استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه مالک اشتر.

## مقدمه

دو کشور ایران و عراق جزو بزرگ‌ترین کشورهای جهان اسلام و همچنین بزرگ‌ترین کشورهای شیعه‌نشین جهان اسلام هستند؛ به گونه‌ای که در کشور ایران ۸۹ درصد کل جمعیت کشور را طرفداران مذهب تشیع و در کشور عراق نیز ۶۵-۷۰ درصد کل جمعیت کشور را طرفداران این مذهب تشکیل می‌دهند. در واقع، ایران و عراق اولین و دومین کشورهای شیعه‌نشین جهان اسلام هستند. یکی دیگر از عناصر پایدار در تعمیق روابط فرهنگی دو کشور وجود عنصر شیعه بوده است و آیت‌ا... سیستانی که برجسته‌ترین روحانی شیعی عراق است در ایران متولد شده است. این مهم (ارتباطات فرهنگی) به عنوان اساسی‌ترین زیرساخت و قابلیت تأثیرگذاری ایران بر عراق تلقی می‌گردد. (شریفیان، همایونی، ملکی، ۱۳۹۳: ۹)

از نظر جغرافیایی، دو کشور ایران و عراق دارای ۱۶۰۹ کیلومتر مرز مشترک هستند که از نظر جغرافیای سیاسی یکی از بدترین حالات خطوط مرزی است. (عزتی، ۱۳۸۱: ۸) عراق با وسعت ۴۳۸،۳۱۷ کیلومتر مربع و جمعیتی در حدود ۳۵ میلیون نفر همواره در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران جایگاهی خاص داشته است. به قدرت رسیدن اکثریت شیعه، جایگاه این کشور در سیاست خارجی ایران اهمیت بیشتری یافته است. در واقع، گرایش‌ها از تخصم و تضاد به سمت رقابت و همکاری تغییر کرده است. عراق پس از صدام واجد عناصر و تحولاتی است که تغییر در ساختار قدرت و هویت آن، باعث دگرگونی‌هایی در ژئوپلیتیک منطقه و رویکردهای بازیگران منطقه‌ای شده است (گلشنی، سهرابی، ۱۳۹۳: ۹) در واقع سقوط رژیم بعث و روی کار آمدن دولت شیعی باعث شد که عراق از یک تهدید راهبردی، به یک فرصت برای جمهوری اسلامی ایران تبدیل شود. نزدیکی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی اکثریت شیعه در عراق با ایران، این فرصت را در اختیار ایران قرار داد تا ضمن رفع نگرانی‌های گذشته، به ارتقاء سطح روابط دیپلماتیک دوجانبه پرداخته و گام بزرگی در راستای دستیابی به منافع ملی کشور بردارد. از مهم‌ترین فرصت‌های جدیدی که حاکمیت شیعیان در عراق ایجاد کرده است، در رابطه با محدود نمودن فعالیت گروه‌های معارض ج.ا.ا. مستقر در خاک عراق از جمله احزاب کومله، دمکرات و به ویژه منافقین است. انتقال منافقین از اردوگاه اشرف به

پایگاه لیبرتی و به دنبال آن اخراج تعدادی از آنان به خارج از عراق، از جمله اقدامات حاکمیت شیعی عراق در محدود کردن فعالیت گروه های معارض ج.ا.ا است. دعوت آمریکا از ایران برای کمک به آن کشور در برقراری ثبات و امنیت در عراق، نیز دال بر افزایش نقش منطقه ای ایران است. بنابراین میتوان گفت که حاکمیت شیعی عراق موجب کاهش تهدیدات و افزایش فرصت های منطقه ای ایران شده است. (شریفیان و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰-۱۱)

### بیان مساله

به رغم برخی امیدواری ها برای تبدیل شدن تدریجی عراق به کشوری باثبات و قدرتمند در دوره پس از صدام، این کشور در طول سال های پس از ۲۰۰۳ نیز با گستره وسیعی از چالش ها و بحران ها روبرو شد. حضور همه جانبه آمریکا در عراق، مداخله منفی و مخرب برخی کشورهای منطقه در جهت ایجاد بی ثباتی در عراق، پیدایش گروه های شورشی مسلح و تروریستی، مشکلات سیاسی و بوروکراتیک ناشی از نظام پارلمانی توافقی و مبتنی بر سهمیه بندی قومی و مذهبی، گرایش های واگرایانه اکراد در قبال دولت مرکزی و نوسنازی بخشی از سنی های عراق برای بازگشت به دوره بعث از مهم ترین عواملی بودند که به بحران های متعددی در این کشور منجر شدند. در حالی که با خروج نظامی آمریکا از عراق در سال ۲۰۱۱ و تشکیل دولت مشارکت ملی با همکاری تمامی گروه های عراقی این امیدواری وجود داشت که عراق به تدریج به سمت ثبات داخلی و بازیابی نقش منطقه ای اصیل خود برود، تحولات جدیدی مانند بحران سوریه و پیدایش داعش و سپس برخی از مشکلات و اعتراض های مردمی در ماه های اخیر بار دیگر باعث بحرانی شدن بیشتر عراق و ابهامات بیشتر در خصوص آینده این کشور شده است. (اسدی، ۱۳۹۴) لذا با توجه به اینکه عراق در بین کشورهای همسایه بیشترین اشتراکات را با ایران دارد بنابراین ژئوپلیتیک و ساختار سیاسی این کشور به هر سرنوشتی که مبتلا شود، برای جمهوری اسلامی مهم تلقی می گردد، چرا که پیامدهای ناشی از هرگونه تحولات سیاسی و جغرافیایی در این کشور، می تواند جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک ایران را به شدت تهدید یا تقویت کند و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تحت تاثیر قرار دهد. لذا با توجه به طرح های مداخله جویانه و نسخه های تجزیه

طلبانه در منطقه نظیر خاورمیانه بزرگ که از سوی دول غربی به ویژه امریکا برای منطقه پیچیده شده است این مساله به همراه اتفاقات و تحولات اخیر کشور عراق، نظیر حضور نیروهای تکفیری تروریستی (داعش) و افزایش بحران داخلی و سیاسی این کشور، خطراتی را متوجه ژئوپلتیک، تمامیت ارضی و ساختار سیاسی این کشور نموده است، لذا با توجه به اشتراکات میان ایران و عراق، پیش بینی آینده‌ی احتمالی تحولات عراق و ارزیابی تأثیرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی، مساله‌ی اساسی این پژوهش می‌باشد. لذا سوال اصلی پژوهش عبارت است از «تأثیرات سناریوهای آینده‌ی تحولات آینده عراق بر حوزه‌ی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چه می‌باشد؟».

### ضرورت تحقیق

با پذیرش این واقعیت که هرگونه تغییر و تحول در ژئوپلتیک، تمامیت ارضی و ساختار سیاسی عراق، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، لذا ضرورت دارد که نهادهای علمی و دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران با ارزیابی صحیح و رصد مداوم تحولات ژئوپلتیک عراق و تمامیت ارضی این کشور، پیش بینی‌ها و تمهیدات لازم را از هرگونه تغییر و تحولات محتمل در عراق که مرتبط با تمامیت ارضی و ژئوپلتیک آن کشور است، داشته باشند تا مسئولین و تصمیم‌گیران جمهوری اسلامی را نسبت به این روند تحولات و تأثیرات احتمالی آن بر حوزه امنیت ملی جمهوری اسلامی آگاه سازند.

### اهداف پژوهش

هدف اصلی مقاله عبارت است از «بررسی تأثیرات سناریوهای آینده پژوهانه تحولات آینده عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» و اهداف فرعی آن نیز عبارتند از

- تبیین سناریوهای آینده پژوهانه تحولات ژئوپلتیکی، تمامیت ارضی و بحران‌های داخلی در عراق
- ارتباط امنیت ملی با حوزه ژئوپلتیک و تمامیت ارضی

- بررسی طرح خاورمیانه بزرگ و ارتباط آن با رژیم صهیونیستی و جایگاه عراق در آن
- -بررسی دولت ملت سازی و فدرلیزم عراق و دیدگاه اقوام و مذاهب عراق نسبت به تمامیت ارضی و تجزیه عراق

### نوآوری تحقیق

این پژوهش را به لحاظ موضوعی، میتوان آن را تحقیق نو و بروز دانست که تا به حال در مجامع علمی و دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران صورت نپذیرفته است. در حقیقت این نوع تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی می باشد که به منظور شناخت و بررسی علت تحولات منطقه ای و یافتن پاسخ و نیز پیش بینی تاثیرات احتمالی صورت می پذیرد نتایج آن می تواند در اختیار ارگان های سیاستگذار و تصمیم گیر در مورد مسایل سیاسی دفاعی و امنیتی کشور؛ جهت تدوین راهبردهای سیاسی دفاعی مطلوب و اتخاذ تصمیم گیری مناسب قرار گیرد.

### روش تحقیق و گردآوری

مهم ترین مسئله روشی این پژوهش، آینده پژوهی مبتنی بر سناریو نگاری است به این صورت که با روش سناریونویسی به توصیف آینده های محتمل می پردازد و سپس با روش توصیفی تحلیلی به تبیین تاثیر سناریوها بر امنیت ملی ایران می پردازد. روش گردآوری پژوهش نیز با روش کتابخانه ای و اسنادی است که با گردآوری و بررسی کتب، نشریات، مقالات و اسناد بین المللی همچنین سایت ها و پایگاه های اینترنتی علمی و معتبر مرتبط با موضوع پژوهش به همراه گزارش های منتشر شده توسط مراکز تحقیقاتی و پژوهشی دفاعی، امنیتی است.

### شاخص ها و مولفه های ژئوپلیتیکی موثر بر امنیت ملی

#### مفهوم امنیت ملی

معنی کردن مفهوم امنیت ملی در جهان امروز کار پیچیده ای است. (ماندل، ۱۳۷۹: ۴۳) این مفهوم از جمله مفاهیمی است که پس از پیدایش دولتهای ملی رایج شده اند و پس از جنگ جهانی دوم پژوهشگران علوم سیاسی به عنوان یک واژه کاربردی به مطالعه ی آن روی آوردند

و در قالب نظریه‌های مختلف مسأله امنیت ملی را کارشناسی بررسی کردند. بسیاری از پژوهشگران امنیت ملی را «توانایی یک کشور در حفظ ارزشهای فردی در برابر تهدیدهای خارجی» می‌دانند. (عیوضی، ۱۳۸۲: ۷) به تعبیری دیگر نیز، امنیت ملی یعنی دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی، انسانی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانگان گام بردارد. (گالینز، ۱۳۷۰: ۴۷۵) امید زنجانی نیز معتقد است امنیت ملی تعبیری است که معمولاً در مقابل امنیت دسته جمعی در سطح جهانی به کار می‌رود و مفهوم آن عبارت از امکان تعقیب آزادانه و مستقلانه هدفهای ملی و فقدان خطر جدی برای منافع اساسی و حیاتی یک کشور است (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۳۱)

#### ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک مرکب از دو واژه «ژئو» به معنای زمین و «پولیتیک» به معنای سیاست است. در فارسی، معادل‌هایی همانند «سیاست» جغرافیایی، «علم سیاست جغرافیایی» و «جغرافیا - سیاست‌شناسی» برای آن ذکر شده است. در اصطلاح، «جغرافیای سیاسی» رویکرد یا دیدگاهی برای سیاست خارجی است که هدف آن تبیین و پیش‌گویی رفتار سیاسی و توانایی‌های نظامی بر حسب محیط طبیعی است. بنابراین، رویکرد ژئوپلیتیک با تفاوت مراتب، بیانگر تأثیر قطعی و جبری جغرافیا در وقایع سیاسی و تاریخی می‌باشد (جک سی. پلینوو همکاران، ۱۳۷۵: ۱۳۱-۱۳۲) بنابراین ژئوپلیتیک، عبارت است از مطالعه توزیع جغرافیایی قدرت بین کشورهای جهان و نیز شیوه قرائت و نگارش سیاست بین‌الملل توسط صاحبان قدرت و اندیشه و تأثیر آنها بر تصمیم‌گیریهای سیاسی در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی است (میرحیدر، ۱۳۷۷: ۲۲). از این رو، با اینکه قدرت با سیاست آمیخته بوده و در آن مستتر است، جهت تأکید بر عامل قدرت در مباحث ژئوپلیتیکی، ژئوپلیتیک را میتوان در قالب یک مفهوم ترکیبی تبیین نمود که در آن سه عنصر اصلی؛ یعنی جغرافیا، قدرت و سیاست دارای خصلتی ذاتی می‌باشند (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۸۴)

عواملی که در ژئوپولیتیک مؤثرند به دو دسته کلی، ثابت و متغیر تقسیم می‌شوند. عوامل ثابت در حقیقت همان پدیده‌های طبیعی و جغرافیایی هستند و عوامل متغیر که ممکن است برخی از آنها نیز منشاء طبیعی داشته باشند. موقعیت جغرافیایی در بین عوامل متغیر، نقش دو قطب اصلی را در تحلیل‌های ژئوپولیتیکی ایفا می‌کنند. (عزتی، ۱۳۷۷: ۷۵)

یک منطقه ژئوپولیتیکی از پنج ویژگی به شرح زیر برخوردار است:

- ۱) زیربنای جغرافیایی / سرزمینی
- ۲) موقعیت جغرافیایی
- ۳) اهمیت اقتصادی
- ۴) رقابت برای کنترل و نفوذ
- ۵) پیشینه تاریخی (احمدی پور و قادری حاجت، ۱۳۸۹: ۵۹)

#### تمامیت ارضی

تمامیت ارضی معادل Territorial Integrity و تثبیت مرزهای جغرافیایی کشور است. به بیان دیگر تمامیت ارضی به این معنی است که هیچ‌گاه نباید پاره‌ای از کشور از وطن جدا شود. (آقابخشی، افشاری راد، ۱۳۷۹: ۵۸۱) مفهوم تمامیت ارضی و مرزهای جغرافیایی آن، مبین گستره‌ی جغرافیایی حاکمیت و صلاحیت کشورهاست و یکی از موضوعات مشترک و مورد مطالعه‌ی جغرافیایی سیاسی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، حقوق بین‌الملل و فقه سیاسی است. این مفهوم یکی از ارکان پایدار تشکیل‌دهنده‌ی کشور و حفظ حدود و مرزهای آن و نیز جزء اصول و منافع حیاتی و اولیّه‌ی تمام حکومت‌هاست. در واقع امروزه، تمامیت ارضی و مرزی، مترادف با استقلال و وحدت ملی، به عنوان موضوعی شناخته می‌شود که مورد توجه تمام جهانیان است. (زارعی، ذکی، ۱۳۹۰: ۱-۲)

## ارتباط امنیت ملی با حوزه ژئوپلیتیک و تمامیت ارضی

به طور کلی امنیت ملی متأثر از عوامل مختلفی است که خاستگاه آنها سه حوزه جغرافیا، سیاست و قدرت می‌باشد. اما عوامل تولید کننده و یا بر عکس تهدید کننده امنیت عمدتاً عبارتند از: موقعیت و مشخصات ژئوپلیتیکی و جغرافیایی کشور، وضع جمعیتی کشور، قدرت اقتصادی، استقلال یا وابستگی کشور به خارج از مرزها، روحیه نیروهای ارتش، سطح علمی و نبوغ دانشمندان، ویژگیهای رهبران سیاسی، تکنولوژی، سیاست جهانی در خصوص مدیریت و خلع سلاح و... (حافظ نیا، ۱۳۸۵، ۳۲۷) نقطه مشترک قابل قبول همه صاحب نظران در خصوص امنیت ملی، ضرورت حفظ وجود خود است که می‌توان به شکل دیگر آن را به صورت حفظ ذات ذات و صیانت نفس در برابر اساسی ترین خطرات تعبیر کرد. برخی از صاحب نظران، جهت خود یا صیانت ذات و نفس را در چهار پدیده خلاصه میکنند: ۱. حفظ جان مردم؛ ۲. حفظ تمامیت ارضی؛ ۳. حفظ سیستم اقتصادی و سیاسی؛ ۴. حفظ استقلال و حاکمیت کشور. این چهار مقوله را می‌توان به عنوان جوهره امنیت ملی که تمام کشورها، احزاب، گروهها و افراد، با هر سلیقه سیاسی و پایگاه اجتماعی بر آن اتفاق نظر دارند؛ (بصیری، ۱۳۸۶: ۱۶۷)

در واقع امنیت ملی عبارت است از توانایی یک دولت در اعمال یا جلوگیری از تهدید نسبت به سه مؤلفه زیر:

- اعمال تهدید یا جلوگیری از تهدید نسبت به تمامیت ارضی
- -اعمال تهدید یا جلوگیری از تهدید نسبت به جامعه؛
- -اعمال تهدید یا جلوگیری از تهدید نسبت به حکومت (مارتین، ۱۳۸۳: ۳۸-۳۹)

لذا امنیت ملی با توجه به ژئوپلیتیک و تمامیت ارضی به صورت زیر تعریف می‌گردد:

امنیت ملی شامل حفظ استقلال کشور، تمامیت ارضی، ثبات سیاسی، تضمین بقای ارگانیک (فیزیکی و جمعی) مردم، ایجاد شرایط لازم برای رفاه اقتصادی، فراهم کردن امکان فراغت خاطر نسبت به تهدیدهای اجتماعی و زیست محیطی، تامین و حفظ هماهنگی میان اقوام و طوایف



درون کشور است و هر چیزی که از داخل یا خارج مانع حفاظت از منافع یادشده شود، تهدیدی علیه امنیت ملی است. (رحیمی، ۱۳۹۴: ۷)

### شاخص های تهدید ژئوپلیتیکی و تمامیت ارضی

معمولا مرزهای کشوری که ژئوپلیتیک و تمامیت ارضی آن در معرض تهدید است قرار دارد که کشور تهدیدشونده نامیده شده و در سوی دیگر کشوری است که تهدیدی برای تمامیت ارضی کشور نخست به شمار می رود و کشور تهدیدکننده نام گرفته است. لذا مرزها به خودی خود تهدیدزا نیستند و شرط اولیه آن وجود هویت های کلان یا حاکم متعارض در دو کشور است. اگر چنین تعارضی وجود نداشته باشد، اغلب به پدید آمدن مرزهایی آرام می انجامد؛ اما وجود مرزهای ناپیدای هویت همراه با وجود هویت های کلان متعارض در دو سوی مرزهای بین الملل تنها بسترهای لازم برای تهدید تمامیت ارضی کشور تهدیدشونده را فراهم می کند و شرط کافی برای اینکه این تهدید به صورت بالفعل درآید بستگی به عوامل دیگری دارد.

برای تشخیص اینکه تمامیت ارضی کشور تهدیدشونده به صورت بالفعل درآمده است یا نه، پنج شاخص تعیین شده است: ۱. بسترسازی فرهنگی-ادبی و تحریف تاریخ ۲. وجود پیشینه های تاریخی تهدید ۳. وجود تهدیدهای سیاسی ۴. تجزیه طلبان داخلی ۵. هواداران الحاق در کشور تهدیدکننده (جعفری ولدانی، بیدافی، ۱۳۸۷: ۳۳) علاوه بر این موارد که شاخص های تهدید کننده ژئوپلیتیک و تمامیت ارضی می باشند، طرح ها و تئوری هایی نیز از سوی قدرت های بزرگ و با اهدافی مشخص برای یک منطقه ی جغرافیایی خاص تبیین می گردد که مستقیما بر تمامیت ارضی و ژئوپلیتیک کشورها تاثیر می گذارد. در این راستا، منطقه خاورمیانه (غرب آسیا) یکی از این مناطق است که طرح های موثر بر ژئوپلیتیک و تمامیت ارضی آن، از سوی قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای، تبیین گشته است که به بررسی آن می پردازیم.

### خاورمیانه

واژه خاورمیانه نخستین بار در ۱۹۰۲ / ۱۲۸۱ توسط یک آمریکایی به نام «آلفرد تایر ماهان» برای توصیف منطقه بین خاور دور (هندوستان و قلمرو انگلیس و ماورای آن)

و خاور نزدیک (قلمرو امپراتوری عثمانی) به کار رفت. وی این پیشنهاد را طی مقاله‌ای در مورد دشواری‌های خلیج فارس برای انگلیس در نشریه «نشنال ریویو» مطرح کرد. اندکی بعد، این واژه از سوی روزنامه تایمز لندن و سپس در مکاتبات رسمی دولت انگلیس، و آن گاه توسط دولت‌های انگلیس و آمریکا در جنگ جهانی اول و دوم، مورد استفاده قرار گرفت. تأسیس اسرائیل غاصب در خاورمیانه و نیز آغاز و تداوم جنگ‌های متعدد اعراب و رژیم صهیونیستی و افزایش اهمیت جهانی نفت منطقه خاورمیانه، باعث کاربرد گسترده‌تر این واژه شد (شیرودی، ۱۳۸۳: ۱۴). احمد نقیب زاده استاد دانشگاه تهران، برای خاورمیانه این تعریف را برگزیده است: «خاورمیانه تقریباً تمام کشورهای شرق حوزه مدیترانه مانند ترکیه، سوریه، لبنان، فلسطین، اسرائیل، مصر و کشورهای شبه جزیره عربستان (عربستان، کویت، امارات متحده و عمان) به اضافه کشورهای ایران، افغانستان و حتی پاکستان و در قاره آفریقا کشورهای سودان و بخشی از لیبی را شامل می‌شود. (نقیب زاده: ۱۳۷۳: ۱۵۶)

### طرح خاورمیانه بزرگ

پس از فروپاشی اتحاد شوروی و حدوث شرایط جدید در عرصه روابط بین الملل و شرایط خاص دوران پس از جنگ دوم خلیج فارس، جرج بوش اول در سال ۱۹۹۱ طرحی را تحت عنوان نظام جدید خاورمیانه که دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی بود، ارائه کرد طرح خاورمیانه دموکراتیک در زمان ریاست جمهوری بیل کلینتون، طراحی شد و پایه‌های فکری آن به دوره دموکراتها باز می‌گردد. آنان مدل رفتاری که آمریکا و کشورهای غربی در دوره جنگ سرد در مقابل بلوک شرقی به کار می‌بردند و از طریق تبلیغ و پرداختن به حقوق بشر از سیاستهای نرم افزاری، توانستند برخی اهداف خود را تأمین کنند، ملاک عمل خود قرار دادند. به عقیده برخی از بانیان طرح، با استفاده از این رویه، آینده سیاسی کشورهای منطقه، تغییر یافته و راه برای همکاری گسترده و تعامل حاکمیت‌های ملی در منطقه با کشورهای قدرت مند، از جمله آمریکا هموار خواهد شد. اگر چه طرح‌های فوق هیچگاه مورد توجه جدی دولت کلینتون واقع نشد، ولی به دنبال ورود جرج بوش دوم به کاخ سفید و مهمتر از همه، وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ طرح‌های فوق به

سیاستهای رسمی دولت امریکا در تعامل منطقه ای تحت عنوان خاورمیانه برگ مبدل گردید. (معین الدینی؛ شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۸) رالف پیترز افسر آمریکایی بازنشسته ی استخبارات در مقاله ای در نشریه نیروهای نظامی امریکا اعلام می دارد که باید خاورمیانه را بر اساس دموگرافی اقلیت ها ترسیم کرد تا از این راه صلح برقرار شود و اهمیت این تغییرات در مرزهای کشورهای منطقه براساس قومی یا دینی را ضرورتی برای برقراری صلح میدانند که انجام دادن آن جز وظایف و مسئولتی های امریکا و متحدانش است. (دوست محمدی، الغبان، ۱۳۹۴: ۷)

#### ارتباط طرح خاورمیانه بزرگ با رژیم صهیونیستی

طرح شعارهای "اسرائیل بزرگ" و "سرزمین مقدس نیل تا فرات" ابعادی از ماهیت ادعاهای ارضی اسرائیل و اهداف استراتژیک آن را آشکار می سازد. چنین ادعاهایی که مدت ها قبل از تشکیل دولت اسرائیل در میان صهیونیستها مطرح بوده است، اکنون و پس از سرنگونی صدام با طراحی دقیقتر و جدیت بیش تری از سوی اسرائیلیها پیگیری شد. آنها مدعی هستند که خداوند به یهود به عنوان قوم برگزیده وعده حاکمیت بر تمامی مناطق واقع میان منطقه مصر وادی العریش (شط بزرگ و) (شط فرات) را داده است. بگین معتقد بود سرزمینی را که خداوند به یهود وعده داده، از رود نیل تا فرات گسترده است و خواستار یاری امریکا برای تسلط بر این مناطق بود (گارودی، ۱۳۷۷: ۴۲) از این رو، این آرمان همواره در رأس برنامه های رهبران اسرائیل قرار داشته است و امروز حضور آنها در منطقه خاورمیانه با اندیشه تصاحب سرزمین بین النهرین به عنوان یک هدف استراتژیک در طرحهای صهیونیسم سیاسی و دینی تلقی میگردد. (کاظمی، عزیزی، ۱۳۹۰: ۴)

بنابراین طرح خاورمیانه بزرگ از یک زیربنای فکری یهودی-صهیونیستی سرچشمه میگردد. اسرائیل در قبال این طرح به دنبال رسیدن به اهداف تاریخی خود در منطقه است. (شفیعی، ۱۳۸۷: ۲۸) بدین جهت اسرائیل مدت هاست که در راستای تجزیه کشورهای عربی فعالیت می کند و مراکز پژوهشی متعددی برای بررسی راهکارهای متعدد برای تجزیه و تقسیم این کشورها به راه انداخته است. مرکز «دایان» یکی از مهم ترین مراکز پژوهشی رژیم صهیونیستی است که بخش عمده راهبردهای مورد بررسی در آن، به مسئله تجزیه کشورهای عربی بر

می‌گردد. اغلب دولتهای عربی از جمله مصر، عربستان، سوریه، لبنان، یمن، الجزایر، مغرب و لیبی در پروژه تجزیه این مرکز گنجانده شده است. این مرکز، سال‌هاست که اوضاع این کشورها و حضور گروه‌های طائفه‌ای و مذهبی مختلف را رصد می‌کند و گزارش‌های مورد نظر را در اختیار موساد قرار می‌دهد و توصیه‌های لازم برای نفوذ عناصر موساد به این گروه‌ها را ارائه می‌کند. بنابراین، خاورمیانه مطلوب از نظر اسرائیل، کشورهای کوچک و درگیر در مسایل و بحران‌های داخلی است. اسرائیل به دنبال بالکانیزه ساختن خاورمیانه است تا بتواند در آینده برنامه‌ریزی کند و در آن حضور پیدا کند. (عبدخدائی، تبریزی، ۱۳۹۴: ۱۶)

#### چشم انداز آینده‌ی خاورمیانه از منظر صهیونیست‌ها

عودید ینون مدیر سابق وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی در اوایل سال ۱۹۸۲ دیدگاه خود را نسبت به خاورمیانه جدید به اختصار اینگونه بیان کرد: جهان عرب اسلام و امت واحد و قدرتمندی بود اما این جهان رو به ضعف و اضمحلال رفته و سده نوزدهم اوج ضعف آن بوده است. اختلاف‌های قومی مذهبی و فرقه‌ای بهترین فرصت را برای غرب و اسرائیل فراهم کرده است که این کشورها به چند برابر تجزیه شوند. بنابراین منطقه را باید بر اساس قومی دینی و فرقه‌ای به کشورهای کوچک تقسیم کرد. (دوست محمدی، الغبان، ۱۳۹۴: ۵)

برای این منظور ینون تصور خود را از طرح تقسیم و تجزیه کشورهای منطقه به شرح زیر عرضه می‌کند:

مصر به سه کشور کوچک:

۱) کشور کوچک مسلمان ۲. کشور کوچک قبطی در وسط ۳. کشور کوچک جنوبی در جنوب

لبنان به چهار کشور کوچک:

۱. کشور کوچک مسیحی در شمال ۲. کشور کوچک در شرق تحت سلطه مستقیم سوریه

۳. کشور کوچک مسیحی تحت کنترل فالانژها ۴. کشور کوچک شیعی در جنوب

سوریه به سه کشور کوچک:

الف) کشور کوچک علوی در کنار ساحل ب) کشور کوچک سنی در حلب و دمشق

ج) کشور کوچک برای دروزی ها در جولان و شمال اردن

عراق به سه کشور کوچک :

۱. کشور کوچک کردی در شمال ۲. کشور کوچک سنی در وسط ۳. کشور کوچک شیعه در

جنوب (دوست محمدی، الغبان، ۱۳۹۴: ۶)

### جایگاه عراق در طرح خاورمیانه بزرگ

#### تاریخچه تشکیل عراق

پیروزی نیروهای متفقین در جنگ اول جهانی و تلاش آنها برای گسترش نفوذ خود در مناطق عرب نشین، تجزیه امپراتوری عثمانی را به عنوان راه حل مناسبی پیش روی آنها نهاد. انگلستان و فرانسه، آن گونه که از بیانیه مشترک آنها در ۱۷ نوامبر ۱۹۱۸ بر می آید، هدف خود از دخالت در این مناطق را، به بهانه «اختناق و سرکوب ترکان»، تاسیس «حکومت و دولتهای ملی که اقتدار خود را از انتخاب آزاد و بی واسطه مردم بومی کسب کرده باشند» اعلام نمودند. اما این تمام ماجرا نبود. در واقع، قرار بود معاهده سایکس-پیکو سرنوشت این مناطق را تعیین نماید. این معاهده که به شکلی مخفیانه میان انگلستان و فرانسه در سال ۱۹۱۶ به امضا رسیده بود، مناطق نفوذ هر یک از دو قدرت استعمارگر را در منطقه مشخصی نمود. در این میان، عراق جزو مناطق تحت نفوذ انگلستان بود و از این رو رهایی آن از دست ترکان عثمانی نیز توسط نیروهای انگلیسی صورت گرفت. (علوی پور، ۱۳۸۸: ۴)

#### عراق در طرح خاورمیانه بزرگ

همانگونه که درباره طرح خاورمیانه بزرگ بیان شد، جهت اجرای این طرح؛ عراق نیز به عنوان یک از کشورهای هدف در این طرح امریکایی صهیونیستی مدنظر می باشد. ایالات متحده جهت اجرای طرح خاورمیانه بزرگ در کشور عراق از شکاف هایی درون این کشور بهره می برد تا

به اهداف مورد نظر خود برسد. این شکاف‌های اساسی درون ساختار ژئوپلیتیکی عراق شکاف قومی-نژادی و شکاف مذهبی می‌باشد. این دو شکاف عمده به گونه‌ای است که پرکردن آنها کار مشکلی است. به عنوان مثال، بحث کردی و عربی، نژادی است و بر تفاوت میان آنها تأکید دارد. در عین حال، بحث شیعه و سنی نیز بر شکاف مذهبی اشاره دارد که این شکاف را حتی میان کردها نیز افزایش می‌دهد. در عین حال، نبود پیشینه قبلی بین این سه گروه، رسیدن به روال دیرینه‌گرایی را در کل کشور مشکل کرده است. این ویژگی، عراق را در کنار لبنان به الگوی منحصر به فردی در خاورمیانه تبدیل کرده است. جدا از موضوع نژادی یا زبانی و یا مذهبی، خاستگاه آنها نیز کاملاً متفاوت است و کردها عمدتاً خود را از تبار مادهای مستقر در مناطق کردی ایران میدانند. در صورتی که خاستگاه اعراب از نجد سرچشمه می‌گیرد. (داوود غرایاق زندی، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۴)

بر این اساس بهره‌مندی از شکاف قومی-نژادی و مذهبی در عراق بعنوان گام اول اجرای طرح خاورمیانه بزرگ ایالت متحده در این کشور است که با ۱. «دولت ملت سازی» ۲. «فدرالیسم نمودن» این کشور، آغاز طرح خاورمیانه بزرگ در عراق کلید می‌خورد.

### دولت و ملت سازی

منظور از دولت سازی فرایندی است که در آن نهادهای قضایی، اجرایی، مقننه و نیروی اجبار و نظامی شکل می‌گیرند. در این روند، ثبات در اولویت قرار دارد. ملت سازی نیز اشاره به فضای اجتماعی تعریف شده دارد که در درون آن اعضایش زندگی و کار می‌کنند. این موضوع اشاره به تداوم تاریخی و سرزمینی دارد که یک ملت را در بستر مشترک هدایت می‌کند (داوود غرایاق زندی، ۱۳۸۹: ۴-۵) در واقع دولت - ملت سازی فرایندی است که به دوره مدرن تعلق دارد و طی آن دولت - ملت به عنوان شکل جدیدی از ساختار سیاسی شکل گرفت. (ملت سازی) روندی محسوب می‌شود که طی آن زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری و تعمیق هویت سیاسی مشترک و احساس تعلق ملی به یک چهارچوب سرزمینی ایجاد می‌شود. این روند به حذف تدریجی احساس تعلق به ارزش‌های محلی و ایجاد یک دولت دموکراتیک براساس اراده عمومی مردم کمک می‌کند با موفقیت در روند ملت سازی و ایجاد انسجام اجتماعی در یک سرزمین، روند

(دولت سازی) آغاز می شود که مرحله ای تکمیلی برای دستیابی به حاکمیت در راستای هدف اعمال قدرت مشروع و اقتدار است. (امینی، ۱۳۸۸: ۱)

### فدرالیزم

واژه فدراسیون از واژه لاتین (foedus) به معنی قرارداد یا موافقت نامه آمده است (عالم، ۱۳۷۳: ۳۸۸) در گونه شناسی دولت ها، فدرالیزم به عنوان یکی از انواع نظامهای سیاسی جهان معاصر که عدم تمرکز سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و اداری را در محور سازوکارهای خود قرار داده، شناخته شده است. سوئیس، هند و

ایالات متحده امریکا، نمونه هایی از دولت های فدراتیو هستند. کشورهای پذیرنده سیستم فدرال عموماً به لحاظ قومی، مذهبی، زبانی، فرهنگی یا نژادی گونه گونه هستند. به عبارتی فدرالیزم نوعی گرایش به وحدت و یکپارچگی از راه ایجاد حکومتی فوق حکومتهای محلی است. توزیع اختیارات میان مرکز و واحدها را قرارداد تشکیل فدراسیون یا قانون اساسی فدرال معین می کند (عالم، ۱۳۷۳: ۳۳۹) در واقع ساختار حکومتی دولت فدرال بر دو اصل اساسی استوار است: ۱. خودمختاری و ۲. مشارکت. بر اساس اصل خودمختاری هر دولت عضو فدرال، ویژگیهای قومی و آداب و رسوم و زبان خود را طبق میل و سلیقه خود اداره و حفظ میکند. در سیستم فدرال، دولت های محلی و منطقه ای در قاعده هرم و دولت مرکزی در راس هرم قرار دارد. اصل مشارکت نیز ناظر بر این مسأله است که هر دولت محلی یا منطقه ای توسط نمایندگان منتخب خود در ارگان های فدرال مانند دستگاه های قانون گذاری و اجرایی شرکت کند و تصمیم گیری های فدراسیون در مورد قلمرو سرزمین و جمعیت دولت و امور سیاسی و بین المللی آن مشارکت کند. (تاج آبادی، دهنوی، ۱۳۹۳: ۶)

### روند دولت ملت سازی و فدرالیزم درعراق

آنجا که دولت-ملت سازی، روندی است که طی آن یک جامعه سیاسی تلاش می کند از طریق انباشت قدرت و توسعه ظرفیت نهادی، خودمختاری، حاکمیت و استقلال خود را کسب، حفظ و ارتقا دهد. لذا چنین هدفی شدیداً وابسته توسعه نهادهای دموکراتیک است. (زرگر، ۱۳۸۶)

(۲۱) شکل کامل و واقعی پدیده دولت - ملت در جهان غرب قابل مشاهده است، و در اغلب (کشورهای جهان سوم) به ویژه در (منطقه خاورمیانه) دولت - ملت به معنای واقعی آن هنوز شکل نگرفته است و وابستگی به هویت‌ها و فرهنگ‌های قومی و محلی از احساس تعلق به (واحد‌های ملی) بیشتر است. عراق از جمله این کشورها به شمار می‌رود که بعد از جنگ جهانی اول با پیوستن سه ایالت عثمانی با مشخصه‌ها و فرهنگ‌های نسبتاً متفاوت، یعنی؛ (بصره، بغداد و کردستان) توسط انگلستان ایجاد شد. حاکمیت اقلیت اعراب سنی و فقدان زمینه‌های مشارکت اکثریت شیعی و کردها در قدرت سیاسی عراق و در نتیجه تلاش دولت برای ایجاد نظام سیاسی بر مبنای سیاسی، هویتی و فرهنگی تک بعدی و ضعیف، عمده‌ترین مانع برای شکل‌گیری دولت - ملت در این کشور طی دهه‌های گذشته بوده است. فروپاشی رژیم بعث و ایجاد زمینه‌های لازم برای مشارکت اکثریت شیعی و کردها در روند سیاسی عراق و از همه مهم‌تر تصویب قانون فدرال در قانون اساسی جدید عراق سر آغاز روند دولت - ملت‌سازی در این کشور گردید. (سیروس برنا بلداجی، ۱۳۸۶: ۱)

### قانون فدرالیسم در عراق جدید

ایجاد نظام فدرال در عراق و قانونمند ساختن آن در قالب قانون اساسی، به معنای خودمختاری گروه‌های قومی-مذهبی در قالب عراق فدرال، و ایجاد زمینه‌های لازم برای بروز ارزش‌ها و عناصر فرهنگی، قومی و مذهبی آن‌هاست. این امر به کاهش کنترل گروه‌های اجتماعی توسط دولت مرکزی و خودمختاری و آزادی ایجاد نظام فدرال در عمل قابل توجه آن‌ها می‌انجامد. در حال حاضر قانون اساسی جدید عراق فدرالیسم را پذیرفته است. (تاج‌آبادی، دهنوی، ۱۳۹۳: ۲۹-۳۰)

در قانون اساسی دائم عراق جدید، مقررات فدرالیسم مشخص شده است. بر این اساس، می‌توان گفت برخی از مهم‌ترین مقررات فدرالیسم در این قانون اساسی عبارتند از:

- (۱) به رسمیت شناختن فدرالیسم برای اداره کشور
- (۲) به رسمیت شناختن زبان کردی در کنار زبان عربی به عنوان یکی از دو زبان رسمی عراق
- (۳) مشخص نمودن قوای حکومت فدرال



- ۴) تفکیک اختیارات و صلاحیت ها بین مرکز و مناطق
- ۵) تضمین مشارکت عادلانه مناطق و استان های سازماندهی نشده در اداره ی نهادهای مختلف فدرال
- ۶) مشخص نمودن نحوه ی تشکیل مناطق فدرال
- ۷) اعطای اختیارات فرافدرالی به مناطق و استان ها.
- ۸) اعطای اختیارات ویژه به کردها و مستولی کردن مناطق بر ساختار عمومی قانون (ساعی، ۱۳۹۰: ۱۲-۱۳)

میتوان ادعان داشت که قانون فدرالیسم در عراق در حقیقت شروع و سنگ بنای روند دولت-ملت سازی بعنوان ابزار خاورمیانه بزرگ در عراق است در واقع شکل گیری دولت-ملت سازی در عراق با شاخص ها و مقرراتی حکومت فدرالی در عراق آمده است مطابقت دارد و شاخص ها و مقرراتی که تحت عنوان قانون فدرالیسم در قانون اساسی عراق آمده است با روند دولت ملت سازی در عراق هم سو است . ویژگی هایی نظیر حق خودگردانی منطقه ای برای ایالات ها که با تقسیم اختیارات و اقتدار بین حکومت فدرال (مرکزی) و ایالات ها بوجود آمده و نیزافزایش قدرت و توان دولت های محلی که با اعطای اختیارات فرافدرالی به مناطق و استان ها در قانون فدرالیسم عراق صورت پذیرفته است و نیز اعطای اختیارات ویژه نظیر تشکیل نیروی تامین امنیت داخلی به دولت هر منطقه، همگان نشان از آن دارند که فدرالیسم در روند دولت ملت سازی در عراق تاثیر بسزایی گذارده است. در حقیقت فدرالیسم در عراق زمینه را برای گسترش قدرت حکومت ها محلی نظیر کردها و به رسمیت شناختن این حکومت های محلی از سوی غرب که در واقع به انها مشروعیت می بخشد که در واقع به عنوان گام اول در راستای رسیدن به استقلال کامل گروه های تجزیه طلب در عراق است.

#### دیدگاه شیعیان عراق نسبت به تمامیت ارضی عراق

شیعیان عراق علاوه بر اینکه خواهان ایفای نقش مهمتر و بیشتر در معادلات عراق هستند، از سوی دیگر حمایت قاطع خود را از سیستم فدرالی حکومت در عراق ابراز داشته و آن را عرصه ی

بروز و ظهور قدرت واقعی شیعیان می‌دانند. شیعیان در بیانیه‌های متعددی که تاکنون صادر کرده‌اند، به تایید نظام فدرال در وسیع‌ترین شکل آن پرداخته‌اند، فدرالیسمی که ضمن تأکید بر وحدت عراق، تنوع و تکثر را برسمیت بشناسند و فرقه‌گرایی را ترویج نکنند. در این راستا عبدالعزیز حکیم در جریان تدوین پیش‌نویس قانون اساسی عراق، خواستار شکل‌گیری یک منطقه خودمختار در سراسر مناطق شیعه‌نشین جنوب عراق شد. (تاج‌آبادی، دهنوی، ۱۳۹۳: ۱۹)

از سویی سیاستمداران و گروه‌های شیعه به هیچ وجه دوست ندارند بخش مهمی از سرزمینی که از سال‌ها پیش به آن متعلق بود را بدلیل آنکه قسمتی از ساکنانش شیعه نیستند از دست بدهند. شیعیان میدانند در صورت تجزیه عراق بغداد و چاه‌های نفتی که در قسمت‌های کردنشین وجود دارد از دست خواهند داد. در نتیجه می‌خواهند اداره این قسمت‌ها را در اختیار داشته باشند و در این درآمدهای نفتی سهم شونند. با آنکه نگرانی شیعیان از تجزیه عراق به اندازه اهل سنت نیست اما به دلایل مشخص استراتژیک و ژئوپلیتیک، تجزیه این کشور را برای اهل تشیع گزینه‌ای قابل قبول نیست. (اسلامی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۸-۱۹)

#### دیدگاه کردها نسبت به تمامیت ارضی عراق

البته باید اذعان داشت که اگرچه کردها از مدافعان اصلی فدرالیسم در عراق هستند، اما به فدرالیسم نه به عنوان یک واقعیت، بلکه به عنوان یک فرصت می‌نگرند که به آنها اجازه می‌دهد، قدرت خود را در عراق نهادینه کنند. پیشرفت‌های اقلیم کردستان بعد از سال ۱۹۹۲ در حوزه‌های اقتصادی، نظامی و فرهنگی به آنها اجازه داده است که تا حدود وسیعی به گسترش نفوذ خود در سایر مناطق کردنشین بپردازند. به عبارتی، در حالی که هنوز فدرالیسم در عراق محقق نشده و دارای یکسری معضلات است، کردها ملت‌سازی را مقدمه هویت‌سازی قرار داده‌اند تا در آینده‌ای نه چندان دور رؤیای کردستان بزرگ را تحقق بخشند. (احمدی پور و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۳۶-۱۴۲)

برهمن اساس مواضع اخیر «مسعود بارزانی» مبنی بر لزوم تصمیم‌گیری تاریخی کردها برای تعیین سرنوشت و اقدامات پارلمان کردستان عراق برای تصویب مصوبه‌ای در این خصوص است که مباحث مربوط به استقلال کردستان و تجزیه عراق را بیش از پیش، مطرح نموده

است.<sup>۱</sup> مسعود بارزانی رهبر منطقه کردستان عراق قویاً اشاره کرده است که برای کسب استقلال رسمی از باقی عراق تلاش خواهد کرد. او در مصاحبه‌ای گفت: "معلوم است که عراق دارد از هم می‌پاشد، وقت آن است که مردم کردستان آینده خود را تعیین کنند و تصمیم مردم هرچه باشد آن را اجرا خواهیم کرد". در جای دیگر رئیس اقلیم کردستان در مرکز شورای آتلانتیک اعلام کرده است: "کردستان مستقل در راه است" مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان عراق طی سخنانی در آمریکا نیز عنوان کرده است: "اگر از من حمایت صورت گیرد، به زودی اعلام استقلال خواهم کرد."<sup>۲</sup> لذا می‌توان بیان داشت که تحولات جدید عراق و چالش‌هایی نظیر داعش که دولت مرکزی عراق با آن مواجه است، باعث گردیده که کردستان عراق و رهبران آن، فرصت یابند تا آرزوی تاریخی خود را که همان استقلال از عراق و ایجاد کشور مستقل کردستان است را اعلام رسمی نمایند.

#### دیدگاه سنی‌ها نسبت به تمامیت ارضی عراق

دیدگاه گروه‌های سنی نسبت به تجزیه عراق متفاوت است. برای درک این موضوع به سه جریان اصلی سیاسی-امنیتی سنی میتوان اشاره کرد که هر یک رویکردهای خاص خود را در قبال اتحاد یا تجزیه عراق و روند سیاسی دارند:

۱. جریان نخست، گروه‌های سیاسی سنی شرکت‌کننده در روند سیاسی و ساختار قدرت در عراق هستند که بر حفظ یکپارچگی عراق و مخالفت با تجزیه این کشور، عمدتاً بر ایجاد اقلیم سنی و شکل‌دهی به‌نوعی از قدرت نظامی و سیاسی خودمختار و مستقل از بغداد تأکید دارند. این گروه‌ها با توجه به تجربه اقلیم کردستان استفاده از منابع مالی و اقتصادی بغداد در کنار داشتن اختیارات و خودمختاری سیاسی و امنیتی بالا را الگویی مطلوب می‌دانند.
۲. جریان دوم جریان بعثی-سکولار خارج از حاکمیت است که بر مقابله با نظام سیاسی حاکم و فروپاشی آن در جهت بازگشت به رأس قدرت در عراقی یکپارچه تأکید دارد.<sup>۳</sup> جریان سوم

<sup>۱</sup> <http://www.entekhab.ir/fa/news/170295>

<sup>۲</sup> <http://www.farnews.ir/fa/126169>

نیز شامل گروه‌های سلفی و افراط‌گراست که طرفدار ایده خلافت اسلامی است و در داعش بازتاب یافته است. این گروه نه تنها خواستار تجزیه عراق نیست، بلکه آن را بخشی از خلافت بزرگ اسلامی در منطقه تلقی می‌کند؛ اما در مجموع به‌رغم اینکه جریان‌های سیاسی - امنیتی سنی در نظر اعتقادی به تجزیه عراق ندارند، رفتارهای آن‌ها در عمل به ضعف حاکمیت مرکزی و کاهش انسجام و یکپارچگی عراق منجر شده است (اسدی، ۱۳۹۳: ۲۲)

### گروه‌های تکفیری تروریستی (داعش) و تمامیت ارضی عراق

تنازعات مذهبی در عراق ناشی از تحولات حاکم بر این کشور در طول یک دهه اخیر بوده است که میان گروه‌های سلفی، بعثی و القاعده رویش و رشد یافته است. تنازعی که بی شک با دخالت مستقیم و یا غیرمستقیم قدرت خارجی در عراق همراه بوده است. به هر حال این تنازع کلامی و رفتاری به واسطه تأثیرگذاری بر تمامیت ارضی این کشور و گسترش آن در لایه‌های مختلف اجتماعی و درگیر شدن دولت حاکم با شورشیان در حد یک بحران سیاسی و امنیتی تلقی شده که امروز با نقش آفرینی گروهی تکفیری به نام داعش امنیت ملی این کشور را با چالشی جدی مواجه ساخته است (ساوه درودی، ۱۳۹۰: ۱۰۷)

(داعش) با نام اصلی دولت اسلامی عراق و شام؛ اسم گروهی از اسلامگرایان سنی مذهب (وهابی) تروریستی است که رهبر آن ابوبکر البغدادی حدود را خلیفه مسلمانان جهان اعلام کرده و داعیه رهبری مذهبی همه مسلمانان را دارد. این گروه که ابتدا در سوریه تشکیل شد و بعد عراق کشید شدند، خواستار حکومت بر کل منطقه عراق و شام (شامل اردن، فلسطین اشغالی، لبنان، قبرس و بخشی از جنوب ترکیه) اند. این گروه هم اکنون بخش عمده‌ای از عراق و سوریه را در کنترل خود دارد. (شیخ احمد، بهاری، وهاب پور، ۱۳۹۲: ۲)

درارتباط با چگونگی ظهور و بروز داعش در عراق میتوان بیان داشت که فروپاشی رژیم بعث و روی کار آمدن دولت شیعی در عراق، باعث شد برخی از کشورها و گروه‌های سنی و بعثی برای بازیابی بخشی از قدرت پیشین خود و جلوگیری از تحکیم پایه‌های حکومت منتخب ملت عراق، در عراق شروع به کارشکنی و اقدامات تروریستی و تخریبی نموده و بستر

اصلی خیزش تورریسم رادراین کشور فراهم نمایند. این نوع نگاه منفعت گرایانه صرف مبتنی بر بنیان های قومی فرقه ای به تشدید خشونت های قومی مذهبی و موفق نشدن در روند دولت سازی جدید در این کشور انجامید (مبینی کشه، طالعی حور، ۱۳۹۴: ۱۰).

### اشغال عراق

گروهک داعش در اولین اقدام در مارس ۲۰۱۳ شهر رقه را تحت واپایش خود گرفت. این شهر اولین مرکز استانی بود که به دست شورشیان افتاد. در ژانویه ۲۰۱۴ (دی ۱۳۹۲) با بهره گیری از اختلاف بین اقلیت سنی عراق و دولت تحت رهبری شیعیان این کشور واپایش شهر عمدتاً سنی نشین فلوجه در استان غربی انبار را در اختیار گرفت و در ادامه بخش های بزرگی از رمادی، پایتخت این استان را تصرف کرده و مناطقی از شمال شرق عراق در نزدیک مرزهای ترکیه و سوریه را به اشغال خود درآورد و در نهایت موفق شد تا در

خرداد ۱۳۹۳ موصل، دومین شهر بزرگ عراق را تصرف نموده و دامنه جنگ را به اطراف سامرا، بعقوبه و حتی جلولا بکشاند. (ساوه درودی، ۱۳۹۰: ۱۰۰-۱۰۱) اقدامات گروه تروریستی داعش در عراق این کشور را با تهدیدات مهمی از جمله تهدید تجزیه و از بین رفتن یکپارچگی سرزمینی، بروز جنگ داخلی گسترده و همچنین ناکامی روند سیاسی و تغییر نظام سیاسی روبه رو ساخته است که این رخداد ضمن تهدید تمامیت ارضی این کشور، امنیت وثبات منطقه ای را نیز به طور جدی تحت تاثیر قرار داده است. (مبینی کشه، طالعی حور، ۱۳۹۴: ۲۲)

### نتیجه گیری

با توجه به روند تحولات خاورمیانه و نیز چالش های ژئوپلیتیکی بر آمده از طرح های و نسخه های واگرایانه و تجزیه طلبانه در خاورمیانه، عراق و آینده ی تحولات ژئوپلیتیکی و تمامیت ارضی آن در چند سناریو صورت خواهد پذیرفت که در این قسمت ضمن ارائه این سناریوها، به تبیین تاثیرات احتمالی آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران میپردازیم:

۱) سناریو تجزیه و تقسیم عراق که به سه شکل خواهد بود: ۱: تقسیم عراق به دو کشور عرب نشین (اعم از شیعه و سنی) و کردنشین ۲: تقسیم عراق به سه کشور کردنشین، سنی نشین و شیعه نشین ۳. تقسیم کنفدرالی عراق به سه بخش کرد نشین، سنی نشین و شیعه نشین

تأثیر تشکیل کشور کردستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: از آنجا که جمهوری اسلامی ایران مسئله کردها را در قالب کل عراق در نظر دارد و با توجه به اقلیت کرد در داخل کشور و تأثیر استقلال اقلیم بر سایر مناطق کردنشین، به هیچ وجه خواهان تجزیه عراق نیست و همیشه بر حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور عراق تأکید کرده است. لذا با توجه به اینکه کردها در ایران ۶/۴ میلیون نفر از جمعیت ۷۰ میلیونی را تشکیل می دهند (بنا بر آمار سال ۱۳۸۸) که حدود ۹ درصد جمعیت ایران و حدود ۱۰ درصد مساحت کل کشور است، بدین جهت تشکیل کشور مستقل کردستان بر امنیت ملی ایران تأثیرات منفی گسترده ای را در پی خواهد داشت که عبارتند از:

افزایش تحرکات سیاسی گروه‌های کرد و نیز تحرکات نظامی شبه گروه‌های کرد در جمهوری اسلامی ایران (نظیر پژاک کومه و ..) - افزایش مطالبات فرهنگی و سیاسی کردها از دولت مرکزی ایران که با حمایت های کردستان عراق همراه خواهد بود. - تحرکات قومی و افزایش آتش اختلافات قومی در ایران - ادعای کردستان مستقل نسبت به مناطق کردنشین ایران در آینده نظیر سنج، مریوان و مهاباد - افزایش حضور بیشتر رژیم صهیونیستی و آمریکا در کردستان مستقل و در کنار مرزهای جمهوری اسلامی ایران - حضور سازمان های جاسوسی صهیونیست ها و ایجاد پایگاه های اطلاعاتی و امنیتی آن ها در خاک کردستان به منظور جاسوسی، خرابکاری، کنترل و نظارت اطلاعاتی بر ایران - افزایش تنش و ناآرامی در مرزهای غربی نفوذ عناصر تروریستی به کشور نظیر پژاک و ایجاد ناامنی و عملیات تروریستی در خاک جمهوری اسلامی ایران که این مساله با عدم مسئولیت کردستان مستقل نسبت به تامین امنیت مرزها خواهد انجامید. لذا می توان گفت که این احتمال در تضاد آشکار با منافع ملی جمهوری اسلامی و بعنوان یک تهدید وجودی برای امنیت ملی ایران خواهد بود. از سوی

دیگر بدلیل محدودیت های ژئوپلیتیکی کردستان مستقل و نیز وجود قرابت های عمیق فرهنگی و تاریخی میان ایرانیان و اکراد، این احتمال نیز وجود دارد که کردستان مستقل با اتخاذ سیاست های اقتصادی و فرهنگی به جمهوری اسلامی ایران نزدیک گردد؛ چرا که از سویی جمعیت قابل توجهی از اکراد در ایران وجود دارد که خود را اصلی ترین بخش هویت ایرانی می دانند از سوی دیگر از آنجا که کردستان فاقد زیرساخت های صنعتی، حمل و نقل و ارتباطات است. در صورت استقلال ممکن است زمینه حضور شرکت های تجاری و اقتصادی جمهوری اسلامی و ایجاد قراردادهای عمرانی جمهوری اسلامی با کردستان و به اصطلاح همگرایی اقتصادی فراهم گردد، علاوه بر آن میدان های گازی و نفتی کردستان عراق نیز ظرفیت مناسبی جهت ایجاد قراردادهای همکاری با سرمایه داران شرکت های ایرانی در کردستان فراهم خواهد نمود.

تاثیر تشکیل کشور سنی نشین بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: با توجه به اینکه عراق خانه یک جمعیت اکثریت شیعی است لذا این ظرفیت به لحاظ سیاسی و راهبردی بیانگر یک حوزه (هوادران) واقعی و متحدان طبیعی برای ایران محسوب می گردد که در عراق جدید پس از صدام این مساله عینیت یافت و تقویت موضع منطقه ای جمهوری اسلامی ایران را به همراه داشت. بدین جهت تجزیه عراق و ایجاد کشور سنی، موضع منطقه ای و قدرت راهبردی ایران را تحت تاثیر قرار خواهد داد. بدین منظور ترتیب عوامل و پیامدهای ناشی از تشکیل کشور سنی در عراق که بر قدرت راهبردی ایران در منطقه تاثیر منفی میگذارد عبارتند از احتمال بازگشت رژیم مشابه رژیم بعث به قدرت در کشور سنی می باشد. سوی دیگر این احتمال نیز وجود دارد که در آینده و بنا بدلائل مذهبی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی، کشور سنی به عربستان سعودی ملحق گردد، لذا از این منظر تشکیل یک کشور سنی، منافع و سیاست های منطقه ای و بالطبع امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تهدید خواهد نمود. از نتایج دیگر ایجاد کشور سنی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی، تهدیدات بر آمده از اقلیت های قومی مذهبی در جمهوری اسلامی ایران خواهد بود که کشور سنی در مرز ایران میتواند در استقلال خواهی این اقلیت ها بالاخص اقلیت های عرب و سنی در ایران و نیز تقویت گروه های تروریستی تجزیه طلب قومی عربی نظیر الاحوازیه در خوزستان اثر گذار باشد. علاوه بر آن تاثیر کشور سنی در گسترش سلفی گری و شکل گیری تنش های فرقه ای، قومی مذهبی را در استان های سنی نشین غربی و جنوبی و جنوب

غربی جمهوری اسلامی ایران موجب خواهد گشت که نتیجه‌ی آن تقویت حرکت‌های تجزیه‌طلبانه اعراب سنی در استان‌های مرزی نظیر خوزستان خواهد بود. در واقع برانگیختن احساسات قومی بالخصوص احساسات قومی عربی در خوزستان ایران همواره به عنوان یک اهرم فشار کشور سنی علیه دولت جمهوری اسلامی ایران سابقه‌ی تاریخی دارد که برای اثبات این مساله می‌توان به طرح‌های تجزیه خوزستان در زمان حزب بعث که در واقع یکی از دلایل حمله عراق به ایران نیز بود، استناد نمود.

۲) سناریوی اشغال کامل عراق توسط گروه‌های تکفیری تروریستی (داعش) و گسترش اندیشه سلفی در عراق:

تاثیرات برحوزه امنیت ملی جمهوری اسلامی: ظهور داعش موجب امکان یا گسترش حضور نیروهای آمریکایی در عراق و سایر کشورهای منطقه خلیج فارس می‌گردد. این امر می‌تواند به افزایش شمار پایگاه‌های نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در همسایگی ایران بی‌انجامد که طبیعتاً این امر هزینه‌های امنیتی ایران را در بلندمدت بالا خواهد برد. از سوی دیگر آنان می‌توانند از این پایگاه‌ها و حضور نظامی برای حمایت از مخالفین جمهوری اسلامی ایران استفاده نمایند. از آنجا که دیدگاه داعش به شیعه، حاکی از آن است که این گروه، ایران را به عنوان هسته اصلی و محوری شیعه مورد هدف قرار داده و اعتقاد دارد باید به سمت هسته حرکت کرد. از نگاه داعش، ایران شیعی به عنوان هسته اصلی مخالفان حکومت اسلامی مورد ادعای داعش به هر نحو ممکن باید مورد هدف قرار گیرد. احساس داعش بر این است که ایران به لحاظ تأثیر بر منطقه مانع عمده گروه برای اجرای احکام اسلامی است. به زعم داعش حمله به مقدسات و ارزش‌های شیعی در عراق پیش زمینه مناسبی برای ورود به اقدام بعدی علیه ایران است. از این رو بخشی از سناریوی پیشروی این گروه، رسیدن به اهداف خود از طریق کشانیدن صحنه نبرد به سمت مرزهای ایران است از آنجا که گروه داعش و سایر گروه‌های تکفیری تروریستی توانایی مقابله و تهدید مستقیم نظامی ایران را ندارد، اما تهدیدی که در این زمینه وجود دارد آن است که آنها با بهره‌گیری از برخی نارضایتی‌های اجتماعی، قومی و اقتصادی در مناطق غرب ایران، زمینه را برای فعالیت‌های خود فراهم کنند تا جایی که داعش بارها تهران و مراکز زیارتی را تهدید به اشغال و بمب‌گذاری نموده است. از سوی دیگر از آنجا که عملکرد



داعش و گروه های سلفی تکفیری تاکنون، باعث تغییر اولویت تضاد امت اسلامی با اسرائیل به سمت داخل جهان اسلام و بر اساس مبانی مذهبی گشته است، لذا اشغال عراق توسط عناصر و نیروهای تکفیری بر جبهه مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی، تأثیرات منفی میگذارد. جبهه مقاومت که نوک پیکانش را به سمت رژیم صهیونیستی هدف گرفته است و گروه های نوسلفی خواسته یا ناخواسته در معمای ترسیم شده رژیم صهیونیستی برای تضعیف محور مقاومت بازی می کنند. علاوه بر این گسترش سلفی گری موجب منزلت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران خواهد گردید، لذا گسترش سلفی گری در عراق بدترین سناریو برای امنیت ملی جمهوری اسلامی خواهد بود.

۳) سناریو افزایش اختلافات میان حکومت مرکزی، سنی ها و کردها و آغاز جنگ داخلی در عراق

تأثیرات برحوزه امنیت ملی جمهوری اسلامی: در حال حاضر منظور از جنگ داخلی درگیری بین نیروهای داخلی در صحنه عراق است. این سناریو در صورت حل مشکل داعش و بیرون راندن آن از تمامیت ارضی عراق، میان دولت مرکزی و اقلیت های کرد و سنی ایجاد خواهد گشت. اختلاف احتمالی می تواند بر سر سهم هریک از گروه ها از اعضای کابینه و بودجه تخصص یافته به هریک از این مناطق مربوط گردد. مساله مور اختلاف دیگر بر سر استقلال خواهی کردها، عواید فروش نفت و مناطق مورد اختلاف نظیر منطقه نفت خیز کرکوک، میان دولت مرکزی و سنی ها و کردها خواهد بود. از سوی دیگر تقویت مالی نظامی حکومت کردستان عراق که در قالب کمک هایی در جهت مبارزه با داعش از سوی کشورهای غربی در شکل محموله سلاح های سبک و سنگین به کردستان عراق و نیز ارسال میلیون ها دلار کمک های مالی صورت پذیرفته، این احتمال را در عراق تقویت می نماید که پس از حل بحران داعش در عراق، در آینده نه چندان دور، رهبران کرد، بیش از پیش توهم قدرت پیدا نمایند و در برابر دولت مرکزی عراق سرکشی نمایند و استقلال خود را از آن اعلام نمایند، کما اینکه در حال حاضر نیز کردستان عراق جوابگوی دستورات دولت مرکزی و نخست وزیر عراق نیست و دستوراتی نظیر بازگرداندن پول عاید از فروش نفت اقلیم کردستان به دولت مرکزی را اجرا نمی نماید، لذا این احتمال وجود دارد که عراق در سال های آینده درگیر جنگ داخلی گردد. در واقع سناریوی جنگ داخلی، اگرچه طرفدارانی از همسایگان عراق دارد، اما به نفع

هیچ یک از همسایگان مهم عراق و از جمله امنیت جمهوری اسلامی نیست و می‌تواند عاملی برای تولید بی‌ثباتی و احتمالاً تشدید اختلافات کشورهای منطقه و ایجاد درگیری گسترده نظامی در منطقه گردد، لذا در این شرایط امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تحت تاثیر مستقیم قرار خواهد داد.

۴) سناریو افزایش اختلافات میان گروه‌های سیاسی و گسترش بحران سیاسی در عراق  
تاثیرات احتمالی بر حوزه امنیت ملی جمهوری اسلامی: از آنجا که عمده گروه‌های فعال در بحران سیاسی عراق، شیعیان عراق (صدری‌ها، مالکی‌ها، حکیمی‌ها) هستند که خواستار انجام اصلاحات مورد نظرشان در عراق هستند و آنچه که از اختلافات عیان است، وضعیت تفرقه در جبهه شیعی عراق را نشان می‌دهد لذا موضوع مساله می‌تواند زمینه را برای اعمال نفوذ بازیگران خارجی منطقه ای و فرمانطقه ای را فراهم سازد. از سوی دیگر هرچقدر فضای سیاسی عراق آشفته‌تر شود، کردها در پیگیری اهداف استقلال خواهانه و تجزیه طلبانه خود موفق‌تر خواهند بود. تا جایی که در وضعیت بحران سیاسی عراق، مسئولان اقلیم دوباره شعارهای استقلال طلبانه خود را با قدرت بیشتری مطرح می‌کنند. پیامد منفی دیگر افزایش بحران سیاسی در عراق، عدم تمرکز نیروهای ارتش عراق و نیروهای بسیج مردمی (الحشد الشعبی) در جنگ مقابل داعش خواهد داد که این مساله مسلماً بر قدرت مانور داعش در تحولات میدانی عراق خواهد افزود. لذا در صورت عمیق‌تر شدن این بحران سیاسی می‌تواند پیامدهای قابل توجهی بر صحنه سیاسی عراق و منطقه داشته باشد تا جایی که دستاوردهای جبهه مقاومت را تا حدی از میان ببرد که این مساله بر حوزه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تاثیر منفی خواهد گذارد. چرا که ساختار جدید عراق و روی کار آمدن شیعیان در آن به عنوان هم‌پیمان ایران و حامی محور مقاومت در منطقه تلقی می‌گشت و تضعیف آن در واقع تضعیف قدرت مقاومت و نفوذ منطقه‌ای ایران خواهد بود که محور اصلی سیاست خارجی منطقه‌ای آن ضدیت با اسرائیل است، لذا تحقق این سناریو بر امنیت ملی ایران تاثیر منفی خواهد گذارد.

۵) سناریو بازپس گیری عراق و تقسیم مسالمت آمیز، عادلانه و دموکراتیک قدرت در عراق  
تاثیرات بر حوزه امنیت ملی جمهوری اسلامی: این سناریو مطلوب ترین سناریو برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است گرچه قبل از تحولات و بحران عراق این سناریو به

نوعی در ساختار عراق وجود داشت و در حال شکل گیری و تکمیل بود ولی پس از انتقال سوریه بحران به عراق، این سناریو با چالش مواجه گشت. تقسیم دموکراتیک تقسیمی است که اولاً متناسب با جمعیت هر گروه و ثانیاً بر اساس مکانیسمی دموکراتیک باشد و این برقراری دموکراسی باثبات در عراق برای همسایگانی که دموکراتیک هستند نظیر جمهوری اسلامی ایران مطلوب به نظر می رسد، از نگاه منافع جمهوری اسلامی میتوان بیان داشت که با اجرای این سناریو، از یک سو متحدان طبیعی ایران (شیعیان) با توجه به جمعیت شان، جایگاه ممتاز و مهمی در عراق به دست می آورند، از سوی دیگر آنجا که عراق دموکراتیک، کمترین خطر را برای ایران خواهد داشت لذا روند دموکراتیک احتمال ظهور ماجراجویی افرادی مشابه صدام را در عراق که بیشترین آسیب را به ایران وارد نمود، کاهش می دهد. همچنین، دیگر بهانه ای برای حضور و دخالت های خارج از منطقه در عراق باقی نمی ماند. در عین حال، عراق باثبات و مدیون ایران (قروض ناشی از خسارات جنگ) که در حال بازسازی است، برای اقتصاد ایران و شرکت های بخش خصوصی و دولتی کشور می تواند بازار مناسب و گسترده ای باشد، زیرا زیربنای اصلی عراق از جنگ داخلی طولانی آسیب دیده و احتیاج به سرمایه گذاری دارد که امکان فعالیت اقتصادی و حضور ایران در صحنه اقتصادی این کشور را، که محتاج بازسازی و نوسازی است، فراهم می کند و مساله ی مهم دیگر نیز این است که قدرت محور مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی حفظ و پایدار می گردد.

## منابع

### فارسی

- ۱- اخوان کاظمی، مسعود عزیز، پروانه، ۱۳۹۰، کردستان عراق؛ هارتلند ژئوپلیتیکی اسرائیل، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۶۰
- ۲- اسلامی، مسعود؛ کوهی، ابراهیم، راستگو، محمدرزمان، ۱۳۹۳، چالش‌های تجزیه عراق: منافع امریکا و کشورهای همسایه (ایران، ترکیه و عربستان)، فصلنامه مطالعات جهان اسلام سال سوم شماره ۱۰
- ۳- امینی، کریم، ۱۳۸۸، تاثیر روند دولت ملت سازی عراق بر ثبات سیاسی و سیاست خارجی عربستان سعودی، مجله سیاست دفاعی
- ۴- اسدی، علی اکبر، ۱۳۹۳، بررسی سناریوی تجزیه عراق از منظر متغیرهای داخلی، اندیشکده راهبردی تبیین فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی شماره ۱۸
- ۵- بخشی شیخ احمد، مهدی، بهاری، بهنام، وهاب پور، پیمان، ۱۳۹۲، بررسی ایدئولوژی گروه تکفیری وهابی دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی (باقرالعلوم) دوره ۱۶، شماره ۶۴
- ۷- بصیری، محمد، ۱۳۷۸، مفهوم امنیت ملی، فصلنامه خاورمیانه، ش ۱
- ۸- پاسکال، لورو و فرانسوا توال، ۱۳۸۱، کلیدهای ژئوپلیتیک، تهران انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- ۹- تاج آبادی، حسین، دهنوی، مهدی، ۱۳۹۳، فدرالیسم عراق و امنیت ملی ایران؛ فرصتها و چالشها، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی شماره ۱۸
- ۱۰- برنا بلداجی، سیروس، ۱۳۸۶، تاثیر روند دولت ملت سازی عراق بر ثبات سیاسی و سیاست خارجی عربستان سعودی، هفته نامه پگاه حوزه
- ۱۱- جان ام گالینز، ۱۳۷۰، استراتژی بزرگ، ترجمه کورش بالیزر، (تهران: وزارت خارجه)
- ۱۲- جک سی، پلینو روی آلتون، ۱۳۷۵، فرهنگ روابط بین الملل، ترجمه حسن پستا، تهران، فرهنگ معاصر
- ۱۳- جعفری ولدانی، اصغر؛ بیداقی، احد، ۱۳۸۷، مرزهای ناپیدای هویت و تمامیت ارضی کشورها، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۲۴ علمی-پژوهشی
- ۱۴- جعفری ولدانی، اصغر، ۱۳۷۶، بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
- ۱۵- جعفری ولدانی، اصغر، ۱۳۸۴، نگاهی تاریخی به جزایر ایران تبت و ابو موسی، چاپ دوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی

- ۱۶- جعفری ولدانی، اصغر، ۱۳۸۷، ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
- ۱۷- جک، سی، پلینو، بروی آلتون، فرهنگ روابط بین الملل، ترجمه حسن پستا، تهران، فرهنگ معاصر
- ۱۸- حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۷۹، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد انتشارات پاپلی
- ۱۹- حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۸۵، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، انتشارات پاپلی
- ۲۰- جی مارتین، لی نور، ۱۳۸۳، چهره جدید امنیت در خاورمیانه، ترجمه قدیر نصری، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران
- ۲۱- دوست محمدی، احمد، الغیان، محمد سالم، ۱۳۹۴، بررسی تاثیر گروه های شیعه عراق بر عدم موفقیت طرح خاورمیانه جدید، فصلنامه سیاست
- ۲۲- روشنندل، جلیل، ۱۳۷۴، امنیت ملی و نظام بین الملل، چاپ اول، سمت، تهران
- ۲۳- رحیمی، علیرضا، ۱۳۹۴، انتخابات و امنیت ملی؛ از ثبات تا دگرگونی سیاسی، فصلنامه مطالعات راهبردی سال هجده شماره سوم
- ۲۴- زنجانی، عمید، ۱۳۸۴، فقه سیاسی: اندیشه سیاسی در جهان اسلام، معاصر نشر امیر کبیر
- ۲۵- زرگر، افشین، ۱۳۸۶، مدل های دولت-ملت سازی؛ از مدل اروپایی تا مدل اوراسیایی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج شماره ۷ سال چهارم، شماره هفتم
- ۲۶- زارعی، بهادر؛ ذکی، یاشار، ۱۳۹۰، اصل تمامیت ارضی از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۷۸
- ۲۷- ساعی، احمد، مرادی، جهانخوش، ۱۳۹۰، معضلات فدرالیسم در عراق فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، شماره ۴۲
- ۲۸- ساهه درودی، مصطفی، ۱۳۹۰، گروهک تروریستی داعش؛ برابند تنازعات و ناامنی های منطقه ای، فصلنامه علمی-پژوهشی امنیت پژوهی سال سیزدهم، شماره ۴۵ -
- ۲۹- شریفیان، جمشید، همایونی، محمدرضا، ملکی، بهروز، ۱۳۹۳، حاکمیت شیعی عراق و تأثیر آن بر امنیت سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی امنیت پژوهی سال سیزدهم، شماره ۴۸
- ۳۰- شفیعی عربی، میر علی، ۱۳۸۷، اهمیت منطقه خاورمیانه و بررسی اجمالی طرح خاورمیانه بزرگ، سال هشتم، مجله ی فضای جغرافیایی شماره ۲۳
- ۳۱- شیرودی، مرتضی؛ ۱۳۸۳، فلسطین و صهیونیسم، قم، تحسین، چاپ اول
- ۳۲- شیرودی، مرتضی؛ طرح خاورمیانه بزرگ، غرب و کشورهای مسلمان زمینه ها، چستی و پیامدها، مجله ی اندیشه تقریب، تابستان ۱۳۸۴، شماره ی ۳
- ۳۳- عیوضی، محمدرحیم، ۱۳۸۲، جهانی شدن و امنیت ملی، فصلنامه پژوهشی اندیشه انقلاب اسلامی شماره ۶
- ۳۴- عبدخدائی، مجتبی تبریزی، زینب، ۱۳۹۴، نقش گروه های تکفیری- تروریستی سوریه و عراق در تأمین امنیت اسرائیل، مجله مطالعات انقلاب اسلامی؛ شماره ۴۱
- ۳۵- علوی پور، سید محسن، ۱۳۸۸، ژئوپلیتیک عراق و امنیت در منطقه خلیج فارس، مجله مطالعات خاور میانه شماره ۵۷
- ۳۶- عزتی، عزت الله، ۱۳۷۷، ژئوپلیتیک، تهران، انتشارات سمت

- ۳۷- عزتی عزت‌الله؛ ۱۳۸۱، تحلیلی بر ژئوپلتیک ایران و عراق، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران
- ۳۸- عالم، عبدالرحمن، ۱۳۷۳، بنیادهای علم سیاست نشر نی
- ۳۹- غرایاق زندی، داوود، ۱۳۸۹، فرایند ملت دولت سازی، شکل گیری هویت ملی و بازسازی در عراق: تجارب تاریخی و دورنمای آینده، فصلنامه مطالعات راهبردی سال سیزدهم شماره اول شماره مسلسل
- ۴۰- گارودی، روزه، ۱۳۷۷، اسطوره های بنیانگذار سیاست اسرائیل، ترجمه حمیدرضا آذیر و حمیدرضا شیخی، تهرانف گوهر شاد.
- ۴۱- گلشنی، علیرضا، سهرابی، حمیدرضا، ۱۳۹۳، نقش جمهوری اسلامی ایران در قیف ژئوپولیتیک غرب آسیا، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا شماره هجدهم
- ۴۲- مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۸۱، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت
- ۴۳- ماندل، رابرت، ۱۳۷۹، چهره متغیر امنیت ملی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۴۴- مبینی کشه، زهرا، طلوعی حور، رهبر، ۱۳۹۴، تبیین ظهور داعش و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی امنیت پژوهی سال چهاردهم شماره ۴۹
- ۴۵- نقیب زاده، احمد، ۱۳۷۷، نظریه های کلان و روابط بین الملل، تهران: نشر قومس
- ۴۶- مارتین، لی نورچی، ۱۳۸۸، رهیافتی جامع برای مطالعه امنیت ملی در خاورمیانه، چهره جدید امنیت در خاورمیانه؛ ترجمه قدیر نصری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۴۷- معین الدینی، جواد؛ ابوالحسن شیرازی، حبیب الله، ۱۳۸۷، تقابل خاور میانه اسلامی با طرح خاور میانه بزرگ، فصلنامه علوم سیاسی، سال یازدهم، شماره ۱
- ۴۸- نجات، سیدعلی، ۱۳۹۴، گروهک تروریستی داعش و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ چالش ها و فرصت ها، فصلنامه علوم سیاسی: سیاست (دانشگاه تربیت مدرس) شماره ۶
- ۴۹- واعظی، محمود، ۱۳۸۸، رویکردهای سیاسی - امنیتی آمریکا در خاورمیانه، معاونت پژوهشهای سیاست خارجی / گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس

#### انگلیسی

- 50- Future studies national security of the Islamic Republic of Iran In the context of geopolitical developments, Territorial integrity And Internal crisis in Iraq.